

--Name of Journal-----



Vol(issue), PP.

.atu.ac.ir

DOI: 10.22054/TSSQ.2021.43212.714

Approaches of Party Politics in Germany and Iran: A Comparative Study

Amir Massoud Shahram Nia *

Associate Professor, Department of Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Corresponding Author

Kheirollah Kheiri Asl **

Phd, Department of Political Science, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract


Research on the ineffectiveness of political parties in Iran is mainly focused on historical, cultural, social, and economic factors. However, there is a little research based on the institutional perspective in this field, leading to negligence of state party politics. Following an institutional perspective, this paper examines party politics of the political system and its impact on the ineffectiveness of political parties in Iran. Political systems adopt their own party politics in line with different approaches, hence exerting different effects on the life of political parties. Therefore, the present study compares the approaches of party politics adopted by Islamic Republic of Iran with those adopted by Federal Republic of Germany, as the pioneer in party policy-making in the world. The central questions are, what are the differences between the party politics in Iran and in Germany? and how do these differences influence the life of political parties in Iran? According to the results, the approach in Iran's state party politics is controlling and restrictive. This feature, assuming other conditions are good, has made it difficult for political parties to form, grow, and operate effectively and thus their ineffectiveness. Finally, some suggestions are proposed for favorable party policy-making in Iran.


Keywords: Party Politics, Political Parties, Iran, Germany

* Corresponding Author: (M.shahramnia@ase.ui.ac.ir)

** (Kheiriasl30@yahoo.com)

مطالعه مقایسه‌ای رویکرد سیاست‌های حزبی در آلمان و ایران

امیرمسعود شهرام‌نیا*  دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول

خیراله خیری اصل**  دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

در مطالعات مربوط به علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران عمدتاً بر علل و عوامل متعدد تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تأکید می‌شود. معمولاً در این زمینه مطالعات نهادگرایانه اندکی انجام می‌شود و بررسی سیاست‌های حزبی دولتی مورد غفلت واقع می‌شود. در این مقاله از منظر نهادگرایانه به بررسی سیاست‌های حزبی نظام سیاسی و تأثیر آن بر ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران پرداخته شده است. نظام‌های سیاسی سیاست‌های حزبی خود را با رویکردهای متفاوتی اتخاذ می‌کنند و بر همین اساس تأثیرات متفاوتی نیز بر حیات احزاب سیاسی در کشورها برجا می‌گذارند. از این رو در این مقاله رویکرد سیاست‌های حزبی جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با سیاست‌های حزبی جمهوری فدرال آلمان که پیشگام سیاستگذاری حزبی در جهان است، بررسی می‌شود. پرسش اساسی این است که سیاست‌های حزبی در ایران در مقایسه با سیاست‌های حزبی در آلمان چه تفاوت‌هایی دارد و این تفاوت‌ها چه تأثیری بر حیات احزاب سیاسی در ایران می‌گذارند؟ به‌زعم این مقاله رویکرد اتخاذ شده در سیاست‌های حزبی دولتی ایران رویکردی کنترل‌کننده و محدودکننده است و همین عامل به فرض مساعد بودن سایر شرایط؛ امکان شکل‌گیری، رشد و فعالیت مؤثر احزاب سیاسی در ایران را سخت کرده و موجب ناکارآمدی آنها شده است. در پایان مقاله نیز پیشنهادهایی در راستای سیاستگذاری مطلوب حزبی در ایران ارائه شده است.

واژگان کلیدی: سیاست‌های حزبی، احزاب سیاسی، ایران، آلمان.

مقدمه

احزاب سیاسی پدیده‌هایی هستند که در بستری از شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شکل گرفته و بر جامعه و نظام سیاسی تأثیر می‌گذارند. در ایران گفته می‌شود احزاب سیاسی واقعی وجود ندارند و جامعه و نظام سیاسی از کارکردهای مفید آنها بهره‌مند نیستند. محققان بر پایه تحلیل‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، علل و عوامل متعددی را بعنوان دلایل عدم شکل‌گیری و کارآمدی احزاب سیاسی برشمرده‌اند. آنچه در این میان کمتر مورد توجه قرار گرفته نقش سیاست‌های دولتی به منظور تنظیم امور احزاب سیاسی است. سیاست‌های حزبی کشورها نقش تعیین‌کننده‌ای در حیات احزاب سیاسی دارند. دولت‌ها بسته به رویکرد سیاست‌های حزبی خود می‌توانند احزاب سیاسی را به موجب قوانین و مقرراتی، منع و محدود کنند و یا آنها را تشویق و تقویت کنند. دانشمندان معتقدند قوانین دولتی حاکم بر احزاب سیاسی، مستقیم‌ترین راه مداخله دولت در امور احزاب است و دولت‌ها از این طریق می‌توانند آنها را به رعایت شروط خاصی از جمله دموکراسی درون حزبی، پذیرش نظم دموکراتیک، سازمان حزبی و سطح فعالیت حداقلی ملزم کنند (Janda, 2005: 19). سیاست‌های حزبی معمولاً از طریق اتخاذ قوانین و مقرراتی از سوی نظام‌های سیاسی اعمال می‌شوند. پیکو در مطالعات خود نشان داده است که احزاب سیاسی به طور روزافزونی موضوع سیاست‌گذاری‌های دولتی هستند. این فرایند رو به رشد را می‌توان از تعداد قوانین اساسی، قوانین احزاب و قوانین مربوط به تأمین مالی احزاب سیاسی که در طول پنج دهه گذشته در اروپا اتخاذ شده‌اند، دریافت (Piccio, 2012: 5). امروزه ۱۹ کشور از ۳۳ دموکراسی اروپایی، قانونی برای مسائل مالی احزاب سیاسی و ۲۰ کشور قانون ویژه حزبی دارند و ۲۸ مورد از آنها احزاب سیاسی را در قوانین اساسی ملی خود مورد توجه قرار داده‌اند (Van Biezen & Rashkova, 2011: 2). اما سیاست‌های دولتی درباره احزاب سیاسی در کشورهای مختلف با رویکردهای متفاوتی اتخاذ می‌شوند (گاوجا، ۱۳۹۵: ۱۹-۲۱) و به تبع آن، اثرات متفاوتی نیز در حیات احزاب سیاسی بر جای می‌گذارد.

بر این اساس مقاله با رهیافتی نهادگرایانه درصدد بررسی این موضوع است که رویکرد سیاست‌های حزبی در ایران در مقایسه با کشور دموکراتیکی مثل آلمان که در سیاست‌گذاری حزبی در جهان پیشگام است چه تفاوت‌هایی دارد و این تفاوت‌ها چه

تأثیری در عدم رشد و کارآمدی احزاب سیاسی در ایران دارند؟ این پژوهش این ادعا را پیش می‌کشد که سیاست‌های حزبی در ایران بیش از آنکه با انگیزه و هدف تشویق و تقویت احزاب سیاسی اتخاذ شده باشند، در جهت منع کردن احزاب سیاسی یا کنترل و محدود کردن فعالیت آنها اتخاذ شده‌اند و همین عامل موجب ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران شده است. به عبارت دیگر این مقاله عامل اصلی ناکارآمدی احزاب سیاسی را به فرض مساعد بودن عوامل دیگر، در رویکرد سیاست‌های حزبی ایران و نحوه نهادمندسازی احزاب و فعالیت‌های حزبی می‌داند.

پیشینه تحقیق

هرچند بررسی نهادگرایانه عوامل تأثیرگذار بر حیات احزاب سیاسی از قدمت و گستردگی زیادی برخوردار نیست. بویژه در ایران کمتر پژوهشی در این خصوص انجام شده است. اما دانشمندان علوم سیاسی در دهه‌های اخیر به موازات رشد سیاستگذاری دولتی در حوزه احزاب سیاسی، بر مطالعات خود در این حوزه افزوده‌اند. در مطالعات ایرانی از جمله کارهایی که می‌توان در آنها ردپایی از بررسی‌های مربوط به سیاست‌های حزبی را دید، کتاب اخوان کاظمی (۱۳۸۸) با عنوان «علل ناکارآمدی احزاب سیاسی در ایران» است. مطالعه اخوان کاظمی از این جهت که به علل نهادی و سیاست‌های حزبی در ناکارآمدی احزاب نیز در کنار سایر عوامل اشاره‌ای کرده، در خور توجه است. مطالعه تقی تهرانی و نژادایران (۱۳۹۴) با عنوان «راهبرد تأمین منابع مالی احزاب سیاسی در ایران» را می‌توان از جمله مطالعاتی برشمرد که اختصاصاً در زمینه سیاست‌های مالی حزبی در ایران انجام شده است. آنها در این کتاب تلاش کرده‌اند ضمن بررسی مقایسه‌ای و بهره‌گیری از تجارب سایر کشورها، روش‌های جذب منابع مالی سالم در سیاست‌های حزبی را به تصویر کشیده و با تحلیلی از وضعیت احزاب، کانون‌ها و انجمن‌های فعال در ایران، الگویی مناسب برای سیاستگذاری تأمین مالی احزاب ارائه کنند.

در مقایسه با ایران، مطالعات خارجی نسبتاً زیادی انجام شده است. کنت یاندا (۲۰۰۵) در کتاب «احزاب سیاسی و دموکراسی در نظریه و عمل: اتخاذ قانون حزبی»؛ رویکرد سیاست‌های حزبی را مورد مطالعه قرار داده و نشان داده است که اتخاذ رویکردهای متفاوت می‌تواند شکل‌گیری، توسعه و رشد یا توقف رشد تعداد احزاب سیاسی را تحت

تأثیر قرار دهد. آنیکا گاجا (۲۰۱۰) در کتاب خود با عنوان «احزاب سیاسی و انتخابات»، با بررسی و مقایسه نحوه به رسمیت شناخته شدن احزاب سیاسی در میان دولت-ملت‌ها، جایگاه حقوقی احزاب سیاسی، الزامات دولتی در خصوص تعیین کاندیدا در رقابت‌های احزاب سیاسی، منابع مالی رقابت‌های انتخاباتی در دولت‌ها، نتیجه می‌گیرد که سیاستگذاری درباره فعالیت احزاب در میان دولت‌ها رو به افزایش بوده است. بحث اساسی گاجا این است که شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در میان رژیم‌های سیاستگذاری در بهترین حالت، حاصل رویکردهای متفاوت سیاستگذاران است.

چارچوب نظری

دانشمندان برای بررسی سیاست‌های حزبی کشورها بدون این که تعریفی از این سیاست‌ها ارائه دهند به سراغ قوانین و مقررات دولتی درباره احزاب سیاسی می‌روند. لوری کاروونن با این پیش‌فرض که رویکرد سیاست‌های حزبی کشورهای دموکراتیک و غیردموکراتیک در تنظیم امور احزاب سیاسی متفاوت است، به بررسی قوانین حزبی ۳۹ کشور جهان پرداخته است. کاروونن معتقد است قوانین حزبی، قوانینی هستند که احزاب سیاسی را بعنوان هویت‌هایی حقوقی در نظر آورده و نسبت به تنظیم و سامان‌دهی فعالیت‌های آنها اقدام می‌کنند. با این حال، او در مقایسه خود صرفاً قوانین مصوب ویژه‌ای را که ابتدائاً یا انحصاراً به احزاب سیاسی می‌پردازند، تحلیل کرده است. مطالعه کاروونن نشان داده است که قضاوت کلی در مورد سیاست‌های حزبی، چندان معنی‌دار نیست و انگیزه‌های سیاستگذاری بر اساس شرایط گوناگون کشورها متفاوت است. با این حال بیشترین محدودیت‌ها در سیاست‌های حزبی کشورهایی دیده می‌شود که از پایین‌ترین درجه دموکراسی برخوردارند. در سیاست حزبی کشورهای غیردموکراتیک رویکرد غالب، محدود کردن آزادی مخالفان دولت است و به همین دلیل می‌توان عناصر غیردموکراتیکی را در سیاست‌های حزبی این کشورها مشاهده کرد. در بسیاری از دموکراسی‌های نوظهور، نظام‌های سیاسی به منظور مقابله با گرایش‌های ضد دموکراتیکی که سابقاً وجود داشته‌اند اقدام به سیاستگذاری می‌کنند. این دولت‌ها نگرانند که حزب سلطه‌گر سابق دوباره قدرت بگیرد. در دموکراسی‌های با ثبات، سیاست‌های

حزبی عموماً به منظور تنظیم کمک‌های مالی دولتی و تأمین مالی احزاب سیاسی تدوین می‌شود (Karvonen, 2007: 437-455).

همچنین کنت *یاند* با بررسی قوانین حزبی ۱۶۹ جامعه سیاسی به تحلیل و طبقه‌بندی رویکرد سیاست‌های حزبی مبادرت کرده است. نتایج بررسی *یاند* نشان می‌دهد که سیاست‌های حزبی کشورها عموماً ذیل پنج نوع رویکرد عمده ممنوع^۱، مجاز^۲، ترغیب^۳، حمایت^۴ و تجویز^۵ اتخاذ می‌شوند (Janda, 2005: 8). چنانچه دولت‌ها درصدد غیرمجاز اعلام کردن همه احزاب سیاسی باشند، این کار را با اتخاذ رویکرد ممنوع در سیاستگذاری خود و با انکار موقعیت قانونی آنها انجام می‌دهند. بر عکس، در رویکرد مجاز به احزاب اجازه داده می‌شود که وجود داشته باشند و فعالیت کنند. این رویکرد یک رویکرد سیاستگذاری حداقلی است و معمولاً شرایطی برای نحوه شکل‌گیری و فعالیت حزب تعیین نمی‌کند. اما حکومت‌ها گاهی سیاست‌هایی را اتخاذ می‌کنند که نه تنها شکل‌گیری احزاب سیاسی بلکه فعالیت آنها را نیز تشویق می‌کند. چنین رویکردی، رویکرد ترغیب به معنی تحریک یا تشویق احزاب سیاسی نامیده می‌شود. تشویق و ترغیب بویژه از طریق قوانین انتخاباتی که به نفع ایجاد یا استمرار تعداد زیادی از احزاب باشد انجام می‌شود. رویکرد دیگر در سیاستگذاری حزبی، رویکرد حمایت به معنی حفاظت از حزب در برابر آسیب و از بین رفتن است. افراطی‌ترین نوع حمایت ممکن از یک حزب این است که آن حزب تنها حزب قانونی در کشور اعلام شود. نوع دیگری از سیاستگذاری حزبی، رویکرد تجویزی است. دولت‌های ملی بر اساس این رویکرد، سیاست‌های حزبی خود را برای اصلاح کارکردهای - به‌زعم خود - اشتباه حزب تجویز می‌کنند (Janda, 2005: 8-14). *یاند* این رویکردهای سیاستی را به عنوان قالب‌های خاص مفهوم‌سازی می‌کند در حالی که دولت‌ها ممکن است از تلفیقی از این رویکردها استفاده کنند.

-
1. Proscription
 2. Permission
 3. Promotion
 4. Protection
 5. Prescription

همچنین آنیکا گاوچا در کتابی با عنوان «احزاب سیاسی و انتخابات» رویکرد سیاست‌های حزبی در ایالات متحده، بریتانیا، کانادا، استرالیا و نیوزیلند را مورد بررسی قرار داده است. گاوچا با بررسی قانون انتخابات، قانون فعالیت‌های مالی احزاب، قانون انجمن‌ها و شرکت‌ها، حقوق اداری و مقررات قانون اساسی و همین طور رویه‌های قضایی کشورهای مذکور به مقایسه سیاست‌هایی می‌پردازد (۱۳۹۵: ۲۵) که این کشورها در موضوعاتی مانند شناسایی، جایگاه حقوقی، ساختار و سازمان داخلی، مسائل مالی، شیوه‌های گزینش نامزدهای حزبی، رقابت‌های انتخاباتی اتخاذ کرده‌اند (۱۳۹۵: ۵۲-۵۵). گاوچا در کل معتقد است که کشورها طی یک قرن اخیر تمایلی روزافزون به سیاست‌گذاری در مورد فعالیت‌های احزاب به خصوص در زمینه فعالیت‌های مالی آنها و - تا حد کمتری - در زمینه نحوه اتخاذ تصمیمات مهم در داخل سازمان‌های حزبی از جمله انتخاب و معرفی نامزدها داشته‌اند (۱۳۹۵: ۳۶۷).

ولفگانگ مولر و اولریش زیبرر (۱۳۹۵) نیز در مقاله‌ای با عنوان «قانون احزاب»، موضوعات مهم سیاست‌های حزبی و شاخص‌های عمومی، بررسی و ارزیابی سیاست‌ها را مورد توجه قرار داده‌اند. آنها قوانین اساسی و دیگر قوانین پایه، قوانین و مقررات حاکم بر انتخابات و قوانین تأمین مالی احزاب سیاسی را در کنار قوانین خاص احزاب سیاسی بعنوان مجموعه قوانینی قلمداد کرده‌اند که سیاست‌های حزبی از طریق آنها اعمال می‌شود. مولر و زیبرر با بررسی قوانین مذکور در دموکراسی‌های تثبیت شده، موضوعاتی مانند شناسایی رسمی، نحوه ثبت و ورود احزاب به عرصه انتخابات، نحوه تأمین مالی و صرف هزینه‌های حزبی و نحوه سازماندهی احزاب در پارلمان را از جمله حوزه‌هایی یافته‌اند که موضوع سیاست‌گذاری‌های حزبی کشورهاست. نتیجه مطالعه مولر و زیبرر نیز سه رویکرد متفاوت را در سیاست‌های حزبی کشورها نشان می‌دهد. در رویکرد اول، نظام سیاسی ممکن است اقدام به سیاست‌گذاری در حوزه احزاب نکند و یا به تدوین و اعمال حداقلی از سیاست‌های حزبی مبادرت کند. در رویکرد دیگر، نظام سیاسی ممکن است سیاست‌هایی را دنبال کند که احزاب را وادار به عمل کردن راستین به اصول دموکراتیک نماید. در نهایت ممکن است سیاست‌های حزبی با تدوین و اعمال قوانین درصدد برآورده ساختن نیازهای حزبی متصدیان دولتی باشند (مولر و زیبرر، ۱۳۹۵: ۵۳۵-۵۴۹).

در کل می‌توان رویکردهای مختلف سیاست‌گذاری‌های حزبی را در دو نوع دسته‌بندی کرد: ۱- سیاست‌گذاری با رویکرد تشویق و تقویت احزاب سیاسی و ۲- سیاست‌گذاری با رویکرد کنترل و محدود کردن احزاب سیاسی.

همچنانکه بررسی‌های محققان نشان می‌دهند ممکن است حوزه‌های مختلفی بسته به رویکردهای متفاوت دولت‌ها موضوع سیاست‌های حزبی باشند. با این حال در کل سیاست‌های حزبی عموماً موضوعاتی مانند شناسایی احزاب، نحوه و شرایط تأسیس و ثبت، عضویت، رهبری، سازمان و ساختار داخلی، مسائل مالی، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های فعالیت، مجازات و انحلال احزاب، نحوه مشارکت احزاب در انتخابات و نحوه شکل‌گیری و فعالیت گروه‌های حزبی در مجالس قانونگذاری را دربر می‌گیرند. در زیر هر کدام از موضوعات گفته شده به اختصار توضیح داده می‌شوند.

الف - شناسایی و جایگاه احزاب سیاسی

سیاست‌گذاری برای شناسایی رسمی احزاب سیاسی در قانون اساسی کشورها اتفاق می‌افتد. معمولاً کشورها پس از دوره‌های دیکتاتوری تک‌حزبی در قوانین اساسی خود بر سیاست آزادی احزاب تأکید می‌کنند (Avnon, 1995: 283-300). با این حال عدم اشاره قانون اساسی به احزاب سیاسی به معنای عدم پذیرش یا منع آنها از سوی نظام سیاسی نیست. مولر و زیبرر معتقدند در قوانین اساسی کشورهایی که دارای سنت‌های دموکراتیک نهادینه هستند، نیاز اندکی به شناسایی رسمی نقش مهم احزاب احساس می‌شود (مولر و زیبرر، ۱۳۹۵: ۵۳۹). نحوه و فلسفه به رسمیت شناخته شدن احزاب سیاسی از سوی یک نظام سیاسی، رویکرد سیاست حزبی آن نظام را نشان می‌دهد.

ب - تأسیس و ثبت احزاب سیاسی

تفاوت‌های زیادی در سیاست‌های حزبی کشورها در خصوص نحوه تأسیس و ثبت احزاب سیاسی دیده می‌شود. در کل دو رویکرد عمده در بین کشورها معمول است: رویکرد مجوزمحور و رویکرد ثبت‌محور. کشورهای دموکراتیک عموماً وجود و تأسیس آزادانه احزاب سیاسی را پذیرفته‌اند، هرچند که آنها برای شرکت در انتخابات باید «ثبت» شوند. در کشورهای دیگر حزب برای تشکیل و تأسیس نیاز به اخذ «مجوز» از مرجع خاصی و با شرایط خاصی دارد. دولت‌ها با اتخاذ رویکرد «اخذ مجوز»، یک سد محکم در برابر شکل‌گیری و فعالیت احزاب سیاسی ایجاد می‌کنند. در هر حال همانطور

که ترنستروم و ادربرگ (۱۳۹۵: ۵۰) استدلال می‌کنند اصل راهنمای اساسی برای ثبت احزاب سیاسی، آزادی سازمان‌دهی است که به آزادی تشکیل و پیوستن به احزاب و دیگر سازمان‌های سیاسی اشاره دارد.

پ - مسائل مالی احزاب سیاسی

پول از عناصر کلیدی در فعالیت‌های احزاب سیاسی است و نظام‌های سیاسی معمولاً جایی برای مسائل مالی در سیاستگذاری حزبی خود باز می‌کنند. روش‌ها و منابع کسب درآمدها، مصارف و میزان هزینه‌ها، محدودیت‌های درآمدی و هزینه‌ای، شفافیت، نظارت و مسائلی از این دست، موضوع سیاست‌های حزبی در این حوزه هستند. نظام‌های سیاسی اهداف متفاوتی را از سیاستگذاری در حوزه مسائل مالی احزاب دنبال می‌کنند. این سیاست‌ها ممکن است با چهار هدف متفاوت طراحی شده باشد: ۱- جلوگیری از سوء استفاده، ۲- ارتقای رقابت سیاسی عادلانه، ۳- توانمندسازی رأی دهندگان و ۴- تقویت احزاب و تبدیل آنها به بازیگران دموکراتیک کارآمد (ترنستروم و ادربرگ، ۱۳۹۵: ۵۳). سیاست‌های مالی عمدتاً در جهت تقویت احزاب سیاسی و ایجاد برابری نسبی میان آنها اتخاذ می‌شوند، هرچند که تضعیف احزاب نیز از این طریق قابل تصور است.

از جمله سیاست‌هایی که در مالیه احزاب سیاسی مورد توجه قرار می‌گیرد، اعمال محدودیت‌هایی بر کمک‌های دریافتی و درآمدهای احزاب است، چرا که برخورداری از منابع مالی کلان ممکن است برتری ناهقی را برای برخی از نامزدها و احزاب در برابر رقبا ایجاد کند. هدف این محدودیت‌ها و ممنوعیت‌ها ایجاد میدان بازی برابر برای نامزدها و احزاب سیاسی است (وارد و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۸-۴۹). همچنین در برخی از کشورها به منظور جلوگیری از وابستگی احزاب، ممنوعیت دریافت کمک از اتباع دیگر کشورها اعمال می‌شود. تأمین مالی عمومی نیز موضوع دیگری است که در حوزه مسائل مالی احزاب مورد توجه است (Vernardakis, 2014: 8). تقریباً تمامی دموکراسی‌های لیبرال سیاست‌هایی را به منظور تأمین مالی مستقیم احزاب سیاسی دنبال می‌کنند. در کل، این یارانه‌ها به منظور کاستن از نفوذ اعانه دهندگان بزرگ و اجتناب از فساد اعطا می‌شود (ناسماخر، ۱۳۹۵: ۵۵۰-۵۶۲). معیارهای دقیق و عادلانه اختصاص یارانه‌های دولتی به احزاب و ضوابط منطقی و کارآمد اخذ گزارش مالی از احزاب نیز موضوع سیاست‌های مالیه حزبی است.

ت - سازمان و ساختار داخلی احزاب سیاسی

ساختار داخلی و فرایندهای رهبری و تصمیم‌گیری در درون حزب معمولاً به اساسنامه‌ها و مصوبات داخلی خود احزاب سپرده می‌شود. با این حال نظام‌های سیاسی در پاره‌ای موارد خود را محق و موظف به سیاستگذاری در این خصوص می‌دانند. از جمله موضوعاتی که درباره سازمان و ساختار داخلی احزاب مورد توجه سیاستگذاران دولتی قرار می‌گیرد، دموکراسی درون‌حزبی مانند داشتن حق رأی برابر اعضا در تصمیم‌گیری‌ها، نحوه تعیین و معرفی نامزدهای انتخاباتی، انتخاب رهبری و مسائلی از این دست است. گاوجا معتقد است عدم وجود دموکراسی درون‌حزبی باعث محرومیت اعضای حزب از حقوق خود و بیگانه شدن آنها از حزب می‌شود و توانایی احزاب را در ایجاد ارتباط میان افراد جامعه و نهادهای قانونگذار تضعیف می‌کند (گاوجا، ۱۳۹۵: ۱۷۰ و ۱۸۳). از این رو وجود دموکراسی درون‌حزبی ضرورت دارد و احزاب باید رویه‌هایی چون فرایندهای اطلاع‌رسانی و مشورت درونی، قواعد و ساختارهای درونی رسمی و غیررسمی برای سازمان‌دهی و تصمیم‌گیری در حزب و شفافیت در کارکرد در همه سطوح را مورد توجه قرار دهند (ترنستروم و ادبرگ، ۱۳۹۵: ۳۲). البته تحمیل مقررات بسیار زیاد بر سازمان داخلی احزاب می‌تواند استقلال و آزادی آنها را به خطر اندازد (گاوجا، ۱۳۹۵: ۱۸۴). بنابراین سیاستگذاری در این حوزه باید با هدف ایجاد توازن بین استقلال و آزادی احزاب از یک سو و دموکراسی درون‌حزبی از سوی دیگر صورت گیرد.

ث - نقش و جایگاه احزاب سیاسی در انتخابات

احزاب سیاسی را ماشین انتخاباتی نامیده‌اند و آنها برای دستیابی به هدف ذاتی خود یعنی کسب قدرت، باید در انتخابات مشارکت کنند. در این میان قانون انتخاباتی به طور خاص بر رفتار انتخاباتی احزاب اثرگذار است و محدودیت‌ها یا تسهیلات آن برای احزاب می‌تواند انگیزه آنها برای شرکت در انتخابات و امید به برد و باخت را تعیین کند (Loomes, 2011: 6). اما رویکرد کشورها در مورد نحوه مشارکت احزاب در انتخابات متفاوت است. در برخی کشورها احزاب بطور قانونی نقش به رسمیت شناخته شده‌ای در فرایند انتخابات ایفا نمی‌کنند. این در حالی است که در برخی دیگر از کشورها نقش احزاب در فرایند انتخابات رسماً مورد شناسایی قرار گرفته و به لیست‌های

حزبی اجازه دسترسی به صندوق‌های رأی داده شده است (مولر و زیبرر، ۱۳۹۵: ۵۳۹). دیوید فارل معتقد است در کشورهای دسته اول، احزاب سیاسی یا اصلاً وجود ندارند و یا بسیار ضعیف و ناتوانند به گونه‌ای که در عرصه سیاسی نقش چندانی ندارند. اما در کشورهای دسته دوم احزاب سیاسی تقویت می‌شوند (رفیعی قہسارہ، ۱۳۹۲: ۲۱-۲۳). گذشته از این، نحوه برگزاری انتخابات و قواعدی مانند تعیین آستانہ‌ها و حدنصاب‌های انتخاباتی، شکل برگه‌های رأی‌گیری و وسعت حوزه‌های انتخابیہ می‌توانند حیات احزاب سیاسی را تحت تأثیر قرار دهند. چنانکہ مشہور است، نظام‌های انتخاباتی اکثریتی منجر بہ شکل‌گیری نظام دوحزبی و نظام‌های انتخاباتی تناسبی موجب وقوع نظام چندحزبی می‌شوند.

ج - نقش و جایگاه احزاب سیاسی در پارلمان

احزاب سیاسی پس از کسب کرسی‌های مجلس، برای حفظ انسجام خود و برای تأثیرگذاری بر فرایندهای پارلمان، اقدام بہ تشکیل گروه‌های حزبی می‌کنند. این گروه‌ها در برخی کشورها بہ موجب قانون اساسی و در برخی دیگر بہ موجب آیین‌نامہ داخلی مجلس بہ رسمیت شناخته می‌شوند. برخی دیگر از کشورها اصولاً چنین گروه‌هایی را بہ رسمیت نمی‌شناسند، ہر چند کہ ممکن است در عمل گروه یا گروه‌هایی شکل گرفته و بہ فعالیت پردازند. پس از شناسایی گروه‌ها، شرایط تشکیل آنها و تعداد نمایندگان مورد نیاز برای تشکیل گروه حزبی نیز ممکن است موضوع سیاستگذاری‌ها باشد. کسب جایگاه گروه حزبی بہ حقوق ممتازی بستگی دارد کہ در پارلمان برای گروه‌ها در نظر گرفته می‌شود. کشورها از این حیث نیز متفاوت عمل می‌کنند؛ برخی از کشورها امتیازاتی را برای گروه‌های پارلمانی در نظر می‌گیرند، در حالی کہ برخی دیگر از کشورها از اعطا ہر نوع امتیازی بہ آنها امتناع می‌کنند. عضویت در کمیٹہ‌ها بر اساس گروه‌های حزبی و تأمین مالی گروه‌های پارلمانی از منابع عمومی می‌تواند از جملہ این امتیازات باشد (مولر و زیبرر، ۱۳۹۵: ۵۴۵-۵۴۷). در کل شناسایی رسمی گروه‌های حزبی در پارلمان و در نظر گرفتن امتیازاتی برای آنها می‌تواند سازمان حزب در بیرون از پارلمان را تقویت کند چرا کہ در این صورت حزب با انسجام و قدرت بیشتری می‌تواند در فرایندهای داخلی پارلمان مشارکت کند.

روش تحقیق

این مقاله با روش مقایسه‌ای کیفی انجام می‌شود و روش گردآوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. در روش مقایسه‌ای مثل روش آزمایشی، موارد مطالعه تحت شرایط کنترل‌شده با یکدیگر مقایسه می‌شوند (بورنهام، گیلاند و گرانت، ۱۳۸۸: ۸۷). به کار بستن روش مقایسه‌ای کیفی به صورت‌بندی تبیین‌هایی می‌انجامد که در عین حال که متغیرمحور نیستند دربردارنده برداشت‌هایی تفسیری از ویژگی‌های خاص یک یا چند مورد متفاوتند. همین ویژگی روش مقایسه‌ای را برای تفسیر موارد خاص و توضیح خاص بودن آن توانمند می‌سازد (ریگین، ۱۳۸۸: ۴۷). در این روش همچنین محقق مجبور نیست که نمونه‌ای از جوامع را از میان جمعیت آماری به گونه‌ای برگزیند که آزمون معناداری آماری در خصوص آن کاربرد داشته باشد بلکه مرزهای آزمون مقایسه‌ای در این روش توسط خود محقق تعیین می‌شود (ریگین، ۱۳۸۸: ۴۷).

این مقاله با رهیافتی نهاد‌گرایانه به بررسی، مقایسه و تحلیل سیاست‌های حزبی ایران و آلمان می‌پردازد. در رهیافت نهاد‌گرایی، قواعد و رویه‌های قانونی به عنوان متغیر اساسی مستقل و کارکرد و سرنوشت دموکراسی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته می‌شود. بر اساس این رهیافت، قواعد رفتارها را تجویز می‌کنند (مارش و استوکر، ۱۳۷۸: ۸۹). در این مقاله رویکرد سیاست‌های حزبی ایران و آلمان، در قوانین حزبی این دو کشور شامل قانون احزاب سیاسی، اصول و مقررات قانون اساسی در خصوص احزاب، قانون انتخابات مجلس و آیین‌نامه مجالس قانونگذاری آنها در حوزه‌هایی مانند شناسایی، تأسیس و ثبت، عضویت، سازمان و ساختار داخلی، مسائل مالی، ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های فعالیت‌ها، مجازات‌ها و انحلال، نقش و جایگاه احزاب در انتخابات و تشکیل گروه‌های سیاسی در مجلس بررسی و مقایسه می‌شود. مدل مقایسه و تحلیل این پژوهش در جدول زیر قابل مشاهده است:

جدول ۱. مدل مقایسه و تحلیل سیاستگذاری حزبی کشورها

| قوانین حزبی | موضوعات سیاستگذاری حزبی | مسائل فنی و تخصصی سیاستگذاری حزبی |
|-------------------------|--------------------------------|---|
| قانون اساسی | شناسایی | - هدف از شناسایی - جایگاه احزاب در نظام سیاسی |
| | تأسیس و ثبت حزب | - ثبت محور بودن / مجوز محور بودن - اسناد و مدارک - شرایط کمی / شرایط کیفی |
| | عضویت در حزب | - شرایط ایجابی / شرایط سلبی - شرایط کیفی / شرایط عینی |
| | سازمان و ساختار داخلی حزب | - سیاستگذاری حداقلی / سیاستگذاری حداکثری - دموکراسی درون حزبی - گزینش نامزدهای انتخاباتی - انتخاب رهبران |
| قانون احزاب سیاسی | مسائل مالی حزب | - تأمین مالی از کمک‌ها و پرداختی‌های اعضا و بخش خصوصی - تأمین مالی از یارانه‌ها و پرداختی‌های دولتی - مرجع اختصاص یارانه‌ها - معیار و ضوابط اختصاص یارانه‌ها - محدودیت‌های درآمدی - محدودیت‌های هزینه‌ای - گزارش مالی |
| | چارچوب فعالیت‌های حزب | - اصول قانون اساسی - ثبات نظام سیاسی و مردمسالاری - تمامیت ارضی - وحدت ملی |
| | مجازات‌های احزاب | - جریمه مالی - محرومیت از یارانه‌ها - انحلال حزب |
| قانون انتخابات | نقش و جایگاه احزاب در انتخابات | - پذیرش لیست‌های حزبی - نظام انتخاباتی اکثریتی / نظام انتخاباتی تناسبی |
| آیین‌نامه داخلی پارلمان | نقش و جایگاه احزاب در پارلمان | - شناسایی و پذیرش رسمی گروه‌های حزبی در پارلمان - امتیازات گروه‌های حزبی در پارلمان |

مقایسه رویکردهای سیاست‌های حزبی در آلمان و ایران

الف - شناسایی، هدف و جایگاه حزب

آلمان از جمله اولین کشورهایی است که به سیاستگذاری در امور احزاب سیاسی مبادرت کرد و در قانون اساسی خود، احزاب سیاسی و نقش و چارچوب فعالیت‌های آنها را مورد توجه قرار داد. طبق قانون بنیادین آلمان، تشکیل احزاب سیاسی آزاد است و آنها «در تکوین اراده سیاسی مردم تأثیر گذارند» (BL of Germany¹, Art. 21). از نگاه دولت، هدف از تشکیل احزاب سیاسی این است که آنها «سازنده و مکمل نظم اساسی و بنیادی دموکراسی لیبرال» هستند. ابزار رسیدن به چنین هدفی نیز مورد توجه سیاستگذاران آلمانی قرار داشته است. قانون احزاب سیاسی آلمان تأکید دارد که آنها از طریق نمایندگی مردم در بوندستاگ آلمان یا در پارلمان ایالتی بر شکل‌گیری عقیده سیاسی مردم تأثیر می‌گذارند (PL of Germany², Art. 1).

در مقایسه با آلمان، اصل ۲۶ قانون اساسی ایران نیز تأسیس و فعالیت احزاب سیاسی را آزاد اعلام کرده است. اما این اصل، هدف و جایگاهی برای احزاب سیاسی در نظر نگرفته و به نظر می‌رسد آزادی احزاب صرفاً از جهت تضمین حقوق شهروندی مورد تأکید بوده است و احزاب سیاسی از نظر سیاستگذاران ایرانی ضرورتی کارکردی برای نظام سیاسی ندارند. البته قانون جدید نحوه فعالیت احزاب هدف از تشکیل آنها را «کسب و مشارکت در قدرت سیاسی و نقد و اصلاح آن» عنوان کرده است (قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی، ماده ۱) بدون اینکه به نقش انتخاباتی آنها بعنوان ابزار کسب قدرت اشاره‌ای کرده باشد.

1. Basic Law (Constitution) of Germany

2. Party Law of Germany

جدول ۲. شناسایی رسمی، هدف و جایگاه احزاب

| ابزار رسیدن به هدف و جایگاه | هدف و جایگاه حزب | شناسایی رسمی | |
|-----------------------------|--|----------------------|-------|
| انتخابات | تکوین اراده سیاسی مردم و ساختن و تکمیل نظم اساسی و بنیادی دموکراسی | بله - در قانون اساسی | آلمان |
| ندارد | کسب و مشارکت در قدرت سیاسی و نقد و اصلاح آن | بله - در قانون اساسی | ایران |

ب - تأسیس و ثبت حزب

تأسیس حزب در آلمان آزاد است و قید و شرط خاصی برای تأسیس احزاب سیاسی در این کشور وجود ندارد. عدم شرکت یک حزب در انتخابات به مدت ۶ سال، خارجی بودن اکثریت اعضای حزب و قراردادن مقرر و مرکز آن یا اداره اجرایی آن در بیرون از قلمرو حاکمیت قانون موجب عدم شناسایی حزب در آلمان می‌شود (PL of Germany, Art. 2). در مقایسه در ایران تأسیس حزب به موجب اخذ مجوز صورت می‌گیرد. برای اخذ مجوز شرایطی در نظر گرفته شده است. موسسین حزب حداقل باید ۱۵ نفر باشند. مرامنامه حزب باید حاوی جهان‌بینی، مبانی فکری و عقیدتی در چهارچوب موازین اسلام باشد. همچنین احزاب متقاضی مجوز باید در مرامنامه و اساسنامه خود صراحتاً التزام خود را نسبت به قانون اساسی و اصل ولایت مطلقه فقیه اعلام نمایند (قانون نحوه فعالیت احزاب ...، ماده ۲). بررسی اسناد و مدارک حزب و صلاحیت مؤسسین بر عهده و در اختیار کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب است. کمیسیون پس از بررسی مرامنامه، اساسنامه و صلاحیت مؤسسین، در عرض ۵ ماه صدور مجوز دائم را تصویب

۱. کمیسیونی است که به موجب ماده ۱۰ «قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی» در وزارت کشور تشکیل می‌شود. اعضای این کمیسیون عبارتند از: نماینده دادستان کل، نماینده رئیس قوه قضائیه، دو نماینده از میان دبیران کل احزاب بدون حق رأی، معاون سیاسی وزارت کشور و دو نماینده از میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی.

می‌کند و پس از آن وزیر کشور یک‌ماه فرصت دارد که مجوز را امضا و صادر نماید (قانون نحوه فعالیت احزاب ...، ماده ۷).

جدول ۳. تأسیس و ثبت احزاب

| مرجع ثبت یا صدور مجوز | شرایط ثبت | ثبت‌محور یا مجوز‌محور بودن | |
|-----------------------------|--|----------------------------|-------|
| نهاد ملی و مستقل انتخابات | - عدم غیبت در انتخابات به مدت ۶ سال - خارجی نبودن اکثریت اعضای حزب - قرار نداشتن مرکز یا مقر حزب در خارج از کشور | ثبت‌محور | آلمان |
| کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب | - صلاحیت داشتن مؤسسين (داشتن شرایط خاص طبق تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب) - رعایت معیارهای خاص در اساسنامه و مرامنامه طبق تشخیص کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب | مجوز‌محور | ایران |

پ - عضویت در احزاب سیاسی

در آلمان عضویت در احزاب، خواه برای اعضای مؤسس و رهبران حزب و خواه برای اعضای عادی آزاد است. تنها اشخاصی که به موجب حکم قضایی از حق خود برای نامزد شدن در انتخابات یا از حق خود برای رأی دادن محروم شده‌اند نمی‌توانند عضو حزب شوند. پذیرش و عدم پذیرش اعضای جدید بدون محدودیت و بدون نیاز به ارائه دلیل از اختیارات هیأت صلاحیت‌دار حزب است. با این حال، امتناع عمومی و کلی از پذیرش اعضای جدید حتی برای مدت محدود مجاز نیست (PL of Germany, Art. 10)...

در ایران در مقایسه با آلمان، شرایط عضویت در احزاب سیاسی سخت‌تر است. اعضای مؤسس و عادی باید اعتقاد و التزام عملی به قانون اساسی و ولایت مطلقه فقیه داشته و سوء پیشینه کیفری مؤثر نداشته باشند. به علاوه، اعضای مؤسس باید دارای مدرک کارشناسی یا معادل آن باشند (قانون نحوه فعالیت احزاب ...، ماده ۴). همچنین برخی از اشخاص به دلیل سوابق سوء خود و برخی نیز به دلیل ماهیت شغل دولتی که دارند از عضویت در حزب محرومند (قانون نحوه فعالیت احزاب ...، ماده ۵).

جدول ۴. عضویت در احزاب سیاسی

| محرمان از عضویت | شرایط اعضاء | شرایط موسسین | |
|---|---|--|-------|
| محرمان از نامزدی در انتخابات و حق رأی دادن طبق حکم دادگاه | ندارد | ندارد | آلمان |
| - اعضای بلند پایه رژیم پهلوی - محرمان از حقوق اجتماعی - مظنونان به جاسوسی و متجاهران - صاحبان برخی مشاغل دولتی | - اعتقاد و التزام عملی به قانون اساسی - اعتقاد و التزام عملی به ولایت مطلقه فقیه - نداشتن سوء پیشینه کیفری مؤثر | - اعتقاد و التزام عملی به قانون اساسی - اعتقاد و التزام عملی به ولایت مطلقه فقیه - نداشتن سوء پیشینه کیفری مؤثر - داشتن حداقل مدرک کارشناسی یا معادل آن | ایران |

ت - تشکیلات و سازمان احزاب سیاسی

رویکرد کلی سیاست‌های آلمان درباره مسائل داخلی و سازمان و تشکیلات حزب، حراست از اصول دموکراسی است. به این معنی که احزاب سیاسی به موجب قوانین رسمی ملزم به رعایت اصول دموکراسی در فرایندهای داخلی و تشکیلاتی خود هستند. مسئله اساسی رعایت اصول دموکراسی و حق رأی برابر اعضاست. تک تک اعضای احزاب سیاسی باید بتوانند در فرایندهای تصمیم‌گیری حزب مشارکت کنند. احزاب سیاسی باید به صورت شعبه‌های منطقه‌ای و یا محلی سازمان‌دهی و تشکیل شوند. مجمع اعضا و کمیته اجرایی در سازمان مرکزی حزب و شعب منطقه‌ای - محلی آن از ارکان ضروری، حیاتی و اجتناب‌ناپذیر حزب محسوب می‌شوند. تصمیم‌گیری در مورد مسائل و موضوعاتی مانند برنامه‌های حزب، قوانین موضوعه، قواعد مربوط به حق عضویت‌ها، قواعد مربوط به تشریفات و روند آیین‌نامه و رویه‌های داوری، انحلال حزب و ادغام آن با سایر احزاب، انتخاب رئیس شعبه منطقه‌ای - محلی، معاونان وی و سایر اعضای کمیته اجرایی، اعضای سایر هیأت‌ها باید از طریق مجمع حزب انجام شود. اعضای حزب باید از حق رأی برابر و یکسان برخوردار باشند، البته اعمال حق رأی می‌تواند مشروط به پرداخت حق عضویت باشد (PL of Germany, Art.10).. قانون احزاب سیاسی

آلمان، وظایف کمیته اجرایی و کمیته‌های عمومی حزب، ترکیب مجامع نمایندگان، وظایف و ترکیب هیأت‌های داوری حزب را نیز به تفصیل بیان کرده است. تصمیم‌گیری در حزب باید با رأی اکثریت و انتخاب اعضا در ارکان حزب باید مخفیانه باشد (PL of Germany, Art. 7-15).. معرفی نامزدها برای انتخابات پارلمانی نیز باید با رأی‌گیری مخفی صورت گیرد (PL of Germany, Art. 17)..

سیاست‌های حزبی ایران توجه زیادی بر سازمان و تشکیلات داخلی احزاب سیاسی و روندهای داخلی آنها از جمله نحوه تصمیم‌گیری و انتخاب اعضای ارکان حزب و نامزدهای انتخاباتی نکرده است. البته احزاب سیاسی باید دارای سازمان و ارکانی مانند هیأت مؤسس، مجمع عمومی، شورای مرکزی، دبیرکل و بازرسان و مسئول شعب استانی باشند (قانون نحوه فعالیت احزاب...، ماده ۱). با این حال حمایت از دموکراسی درون‌حزبی و انتخاب دموکراتیک رهبران حزب و نامزدهای انتخاباتی در این سیاست‌ها دیده نمی‌شود.

جدول ۵. تشکیلات و سازمان احزاب سیاسی

| تصمیم‌های مهم و اساسی | انتخاب نامزدها | انتخاب رهبران | هدف از دخالت | دخالت در امور داخلی و تشکیلات حزبی | |
|-----------------------|---|---|--|--|-------|
| در مجمع حزب | مطابق اساسنامه حزب با رعایت اصول دموکراسی | مطابق اساسنامه حزب با رعایت اصول دموکراسی | حراست از اصول دموکراسی و حق رأی برابر | طراحی ساختار کلی حزب و تعیین چارچوب وظایف و اختیارات ارکان حزب | آلمان |
| -- | -- | -- | طراحی ساختار کلی حزب بدون توجه به وظایف و اختیارات ارکان حزب | طراحی ساختار کلی حزب بدون توجه به وظایف و اختیارات ارکان حزب | ایران |

ث - مسائل مالی احزاب سیاسی

در آلمان سیاست‌های مالی غالباً در جهت پیدا کردن راه‌هایی برای تأمین مالی احزاب و همزمان، تنظیم درآمدها و هزینه‌های آنها با هدف ایجاد شفافیت مالی و تقویت احزاب و ایجاد رقابت عادلانه و برابر بین آنها است. در حالی که در ایران گذشته از نقص قانون در

خصوص مسائل مالی، مقررات اندک موجود نیز بیشتر در جهت شفافیت مالی احزاب است تا تشویق و تقویت آنها.

در آلمان به احزاب سیاسی بودجه‌ای بعنوان تأمین مالی بخشی از فعالیت‌های قانونی آنها تخصیص می‌یابد. تخصیص این بودجه به احزاب بر اساس معیارها و ضوابط کلی مانند نسبت آرای حزب در انتخابات اروپایی، بوندستاگ و پارلمان ایالتی، جمع کل حق عضویت‌های حزب و کمک‌های دریافتی حزب از دارندگان و صاحبان مناصب دولتی و میزان هدایای دریافتی صورت می‌گیرد. حداکثر مبلغ کل بودجه عمومی سالانه احزاب ۱۳۳ میلیون یورو (PL of Germany, Art.18) و مرجع تخصیص آن به احزاب و نظارت بر عملکردهای هزینه‌ای آنها بر اساس ضوابط و مقررات، رئیس بوندستاگ آلمان است. حزب باید صورتحساب خود را در پایان سال مالی به رئیس بوندستاگ ارائه دهد، در غیر این صورت از کمک‌های دولتی محروم می‌شود (PL of Germany, Art. 19a). نظارت و بررسی صورتحساب‌ها و تأیید آنها به عهده رئیس بوندستاگ آلمان است (PL of Germany, Art. 23a). سازمان عالی حسابرسی آلمان بر عملکرد رئیس بوندستاگ در خصوص مدیریت این منابع و پیش‌بینی، تخصیص و پرداخت آن به احزاب نظارت می‌کند (PL of Germany, Art. 21)...

منابع و شیوه‌های متنوع درآمد احزاب در آلمان عبارتند از: حق عضویت‌ها، کمک‌ها و اعانات پرداختی مقامات، هدایای اشخاص حقیقی و حقوقی، درآمدهای حاصل از سهام حزب در شرکت‌ها، درآمدهای حاصل از سایر دارایی‌های حزب، درآمدهای حاصل از رویدادها، بودجه عمومی، دریافتی‌های دیگر و کمک‌های دریافتی از شعب حزبی. همچنین هزینه‌های حزب شامل هزینه‌ها و مخارج پرسنل، هزینه‌ها و مخارج عملیاتی و اجرایی روزمره، کار سیاسی عمومی، فعالیت‌ها و مبارزات انتخاباتی و کمک‌های قابل پرداخت به شعب حزب است (PL of Germany, Art. 24)..

ممنوعیت‌هایی نیز بر درآمدهای احزاب در آلمان اعمال می‌شود. دریافت هدایا از شرکت‌های دولتی، بنیادها و نهادهای سیاسی، واحدها یا انجمن‌ها و کانون‌های اشخاص، هدایای خارج از شمول این قانون، هدایای سازمان‌های حرفه‌ای، هدایای شرکت‌ها و موسسات دولتی یا نیمه‌دولتی، هدایا از هدیه‌دهنده ناشناس، کمک‌هایی که در عوض امتیاز مالی یا سیاسی اعطا می‌شود ممنوع است (PL of Germany, Art. 25).

مجازات تخلفات مالی، حبس تا سقف ۵ سال یا جریمه مالی است که متوجه اشخاص می‌شود (PL of Germany, Art. 31a).

سیاست حزبی در ایران در مورد مسائل مالی احزاب غالباً با هدف شفاف‌سازی درآمدها اتخاذ شده است و حمایت از احزاب سیاسی از طریق تأمین مالی یا قاعده‌مند کردن درآمدها و هزینه‌ها به گونه‌ای که برابری حداقلی در این خصوص را تضمین کند در سیاست‌های مالی حزبی دیده نمی‌شود. احزاب سیاسی می‌توانند درآمدهایی از حق عضویت اعضا، کمک‌ها و هدایای نقدی و غیرنقدی اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی، وجوه حاصل از فعالیت‌های قانونی، کمک‌ها و یارانه‌های دولتی کسب کنند. آنها مجاز به استفاده از منابع و امکانات دولتی دستگاه‌های اجرایی نیستند (قانون نحوه فعالیت احزاب ...، ماده ۱۶). درآمدها و هزینه‌های احزاب باید از طرق قانونی انجام و در دفاتر قانونی ثبت شود (قانون نحوه فعالیت احزاب ...، ماده ۱۴).

در قوانین حزبی ایران ضوابط و معیارهایی برای اختصاص اعتبارات دولتی به احزاب وجود ندارد و کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب، مسئولیت اختصاص و نظارت بر آن را بر عهده دارد. وجوه دریافتی باید در جهت اهداف و برنامه‌های حزب بکار برده شده و در پایان سال مالی، گزارش آن به کمیسیون ارسال شود (قانون نحوه فعالیت احزاب ...، ماده ۱۷). همچنین دریافت هرگونه کمک مالی و تدارکاتی از اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی و دولت‌های بیگانه و سازمان‌های بین‌المللی، انجام هرگونه فعالیت اقتصادی و انتفاعی از جمله از طریق تأسیس شرکت‌ها و مؤسسات تجاری یا اقدام به واردات و صادرات و هرگونه فعالیت اقتصادی ممنوع است (قانون نحوه فعالیت احزاب ...، ماده ۱۸).

جدول ۶- مسائل مالی احزاب سیاسی

| مرجع تخصیص یارانه‌های دولتی | هدف محدودیت‌ها | محدودیت درآمدها و هزینه‌ها | شرایط و ضوابط تخصیص کمک‌ها | کمک‌های دولتی | قانون خاص | |
|-----------------------------|---|----------------------------|--|--|---|-------|
| رئیس بوندستاگ | - ایجاد برابری نسبی در توانایی‌های مالی احزاب در انتخابات - ایجاد شفافیت مالی | دارد | ضوابط و معیارهای چند بعدی و دموکراتیک برای تخصیص اندیشیده شده است. | دارد - مکفی و کاملاً در حیات احزاب موثر است. | ندارد - در قانون احزاب به طور مفصل سیاست‌گذاری شده است. | آلمان |
| کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب | ایجاد شفافیت مالی | دارد | ضابطه و معیاری در قانون وجود ندارد. | دارد - مبلغ ناچیزی است. | ندارد - در قانون احزاب به طور ناقص سیاست‌گذاری شده است. | ایران |

ج - چارچوب فعالیت‌ها و مجازات‌ها

در آلمان «آسیب رساندن یا از میان برداشتن نظم بنیادین آزاد و دموکراتیک» و «به خطر انداختن ثبات کشور» دو خط قرمز اهداف و فعالیت‌های احزاب و اعضای آنهاست که با مجازات انحلال حزب همراه است (BL of Germany, Art. 21; PL of Germany, Art. 23). تقریباً چیز دیگری غیر از این دو قید در سیاست‌های حزبی آلمان یافت نمی‌شود که بتواند فعالیت احزاب سیاسی را محدود یا ممنوع کند. نظارت بر فعالیت احزاب و تطبیق آنها با قانون بر عهده دادگاه قانون اساسی است.

در ایران فعالیت احزاب سیاسی مشروط بر این است که «اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی» را نقض نکنند (قانون اساسی ج. ۱، اصل ۲۶). اما سیاست‌گذاران حزبی با تفسیر قیود مذکور در این اصل، دامنه خطوط

قرمز و مصادیق ممنوعیت فعالیت احزاب سیاسی را گسترش داده‌اند. بر این اساس نقض مبانی دین مبین اسلام و تبلیغ و فعالیت علیه موازین اسلامی؛ اقدام علیه امنیت ملی و وحدت ملی از جمله هر نوع ارتباط، مبادله اطلاعات و تبانی با سفارتخانه‌ها، نمایندگی‌ها، ارگان‌های دولتی و احزاب کشورهای خارجی، هرگونه اقدام به عملیات خرابکارانه و براندازانه و حمایت از گروه‌های تروریستی، دریافت هرگونه کمک مالی و تدارکاتی از اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی و دولت‌های بیگانه و سازمان‌های بین‌المللی و تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه‌های متنوع فرهنگی و مذهبی و نژادی موجود در کشور ایران و نیز دعوت به انجام اقدامات مذکور یا حضور در راهپیمایی‌های غیرقانونی؛ اعمال خلاف قانون اساسی و نقض حقوق ملت از جمله ایراد تهمت، افتراء، شایعه پراکنی، آموزش و ترویج خشونت؛ تخطی از مرامنامه و اساسنامه حزب؛ انجام هرگونه فعالیت اقتصادی و انتفاعی از جمله از طریق تأسیس شرکت‌ها و مؤسسات تجاری یا اقدام به واردات و صادرات و هرگونه فعالیت اقتصادی از خطوط قرمز فعالیت احزاب سیاسی در ایران است (قانون نحوه فعالیت احزاب ...، ماده ۱۸).

در ایران نظارت بر فعالیت‌های احزاب و اعمال مجازات بر آنها بر عهده کمیسیون احزاب سیاسی و مجازات انحلال از اختیارات دادگاه صالح است. کمیسیون بسته به شدت جرائم، مجازات‌هایی مانند تذکر شفاهی، تذکر کتبی با ذکر دلیل و تعیین تخلف با قید محرمانه، اخطار و اعلان از رسانه‌ها، محرومیت از تمام یا بخشی از یارانه‌ها و کمک‌های دولتی، تعلیق فعالیت حزب حداکثر به مدت سه ماه، توقیف پروانه به مدت سه ماه تا یک سال اعمال می‌کند و یا پروانه فعالیت حزب را توقیف و انحلال آن را از دادگاه تقاضا می‌کند (قانون نحوه فعالیت احزاب ...، ماده ۱۹).

جدول ۷. چارچوب فعالیت‌ها و مجازات احزاب

| مرجع نظارت و اعمال مجازات | مجازات‌ها | چارچوب فعالیت‌ها | |
|--|--|--|-------|
| دادگاه قانون اساسی | انحلال | - آسیب رساندن یا از میان برداشتن نظم بنیادین آزاد و دموکراتیک - به خطر انداختن ثبات کشور | آلمان |
| - کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب در همه موارد به جز در مورد انحلال - دادگاه در مورد انحلال | تذکر شفاهی، تذکر کتبی، اخطار و اعلان از رسانه‌ها، محرومیت از تمام یا بخشی از یارانه‌ها و کمک‌های دولتی، تعلیق فعالیت حزب حداکثر به مدت سه ماه، توقیف پروانه به مدت سه ماه تا یک سال، توقیف پروانه فعالیت و تقاضای انحلال از دادگاه | - اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی - شروط کیفی زیاد و مفصلی در ماده ۱۸ قانون احزاب | ایران |

چ - نقش و جایگاه احزاب در انتخابات

نظام انتخاباتی آلمان نظامی مختلط، مرکب از رأی اکثریتی تک‌نماینده‌ای و رأی تناسبی است. پارلمان این کشور شامل دو مجلس بوندستاگ (مجلس عوام) و بوندسرات (مجلس اعیان) است. اعضای مجلس بوندستاگ آلمان ۵۹۸ نفر است و با رأی مستقیم، آزاد، برابر و مخفیانه شهروندان آلمانی واجد شرایط رأی دادن برای یک دوره چهارساله برگزیده می‌شوند. ۲۹۹ نفر از اعضا از بین نامزدهای فردی در حوزه‌های انتخابیه و بقیه از بین نامزدهای لیستی انتخاب می‌شوند (FEA of Germany¹, Art. 1). هر رأی دهنده دو رأی دارد و آنها را از طریق یک برگه رأی اعمال می‌کند: رأی اول برای انتخاب یک عضو پارلمان برای حوزه انتخابیه و رأی دوم برای انتخاب یک لیست حزبی در سطح

1. Federal Election Act of Germany

ایالت. هر حوزه انتخابیه یک عضو انتخاب می‌کند و نامزدی که اکثریت آرای مأخوذه معتبر را به دست آورد انتخاب می‌شود. در توزیع کرسی‌ها میان فهرست‌های ایالات، تنها احزابی در نظر گرفته می‌شوند که حداقل ۵ درصد آرای مأخوذه معتبر دوم در منطقه انتخاباتی را بدست آورده باشند یا حداقل یک کرسی در سه حوزه انتخابیه تصاحب کرده باشند. هدف از اعمال این محدودیت، جلوگیری از احزاب بسیار کوچک و ذره‌ای و پرهیز از بی‌ثباتی سیاسی است (FEA of Germany, Arts. 4-6).

نظام انتخاباتی ایران اکثریتی دو مرحله‌ای با حدنصاب یک‌پنجم و نامزدمحور است. در تمامی انتخابات‌های برگزار شده، از یک نظام انتخاباتی واحد استفاده شده است. هر چند قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی تاکنون چهار بار اصلاح شده اما در همه آنها، نظام انتخاباتی اتخاذ شده، نظام دو مرحله‌ای بوده و همواره سه جزء از چهار جزء نظام انتخاباتی - ساختار برگه رأی‌دهی، وسعت حوزه‌های انتخابیه و فرمول انتخابی - ثابت بوده است (رفیعی قهساره، ۱۳۹۲: ۱۴-۱۹). هر چند که احزاب سیاسی در انتخابات مجلس شورای اسلامی اقدام به ارائه لیست نامزدها می‌کنند ولی به لحاظ قانونی امکان مشارکت رسمی احزاب در انتخابات، به این معنی که انتخاب‌کنندگان بتوانند به لیست‌های حزبی رأی دهند، وجود ندارد.

جدول ۸- نقش و جایگاه احزاب در انتخابات

| نظام انتخاباتی | ابزار مشارکت احزاب در انتخابات | پذیرش احزاب در انتخابات | |
|--|--------------------------------|-------------------------|-------|
| ترکیبی (اکثریتی تک‌نماینده‌ای و رأی تناسبی بر اساس لیست‌های حزبی) | قانون انتخابات | بلی | آلمان |
| اکثریتی با حد نصاب مشخص / دو دوره‌ای / نامزد محور / با حوزه‌های نامتجانس | ----- | خیر | ایران |

چ - نقش و جایگاه احزاب سیاسی در مجلس

احزاب سیاسی آلمان پس از کسب کرسی‌های پارلمان، اقدام به تشکیل گروه‌های سیاسی می‌کنند. قانون بنیادین آلمان صراحتاً موجودیت این گروه‌ها را به رسمیت شناخته

و بوندستاگ را ملزم نموده که نمایندگان خود را در کمیته مشترکی که بین بوندستاگ و بوندسرات تشکیل می‌شود از بین همه آنها به تناسب وزنشان انتخاب کند (BL of Germany, Art. 53a). حداقل اعضای هر گروه پارلمانی پنج درصد از اعضای بوندستاگ است و به علاوه آنها باید به حزب یا احزاب مشابهی تعلق داشته باشند (ROP of Bundestag¹, Art. 10). به گروه‌های پارلمانی امتیازات نسبتاً خوبی در پارلمان آلمان داده شده است. ترکیب شورای رؤسا و کمیسیون‌ها و همچنین انتصاب رؤسای کمیسیون‌های مختلف متناسب با قدرت (تعداد اعضای) گروه‌های پارلمانی است. این اصل درباره انتخاب‌هایی که بوندستاگ صورت می‌دهد نیز به کار گرفته می‌شود (ROP of Bundestag, Art. 112).. انتخاب اعضای شورای رؤسای بوندستاگ آلمان و درخواست تشکیل این شورا (ROP of Bundestag, Art. 6)، امکان شرکت یک عضو کارمند از هر گروه پارلمانی در نشست‌های کمیسیون برای کمک به اعضای کمیسیون (ROP of Bundestag, Art. 57)، امکان شرکت رؤسای گروه‌های پارلمانی و یا عضوی از گروه به نمایندگی از آنان در همه نشست‌های کمیسیون‌ها و کمیسیون ویژه بدون برخورداری از حق رأی (ROP of Bundestag, Art. 69)، از امتیازات دیگر گروه‌های پارلمانی در آلمان است. به علاوه، چنانچه رئیس بوندستاگ قادر به انجام وظایف خود نباشد یکی از نائبان رئیس از دومین گروه بزرگ پارلمانی جای او را می‌گیرد (BL of Germany, Art. 40; ROP of Bundestag, Art. 7). پیشنهاد کفایت مذاکرات در کمیسیون تنها پس از آن که هر گروه پارلمانی فرصت صحبت در مورد موضوع بحث را پیدا کند و دیدگاه‌های متفاوت شنیده شود، امکانپذیر است (ROP of Bundestag, Art. 71). عضو گروه پیشنهاددهنده نمی‌تواند نخستین سخنران درباره یک موضوع خاص باشد (ROP of Bundestag, Art. 28).

در قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی جایگاهی برای گروه‌های سیاسی حزبی وجود ندارد. هر چند که در مجلس، فراکسیون‌هایی بر اساس گرایش‌های سیاسی و جناحی نمایندگان شکل می‌گیرد اما آنها حتی اگر از تعداد اعضای قابل توجهی

1. Rules of Procedure of the German Bundestag and Rules of Procedure of the Mediation Committee

برخوردار باشند، امتیازی رسمی نسبت به سایر نمایندگان ندارند و در فرایندهای داخلی و تصمیم‌گیری‌های مجلس دخالتی رسمی به اسم فراکسیون ندارند.

جدول ۹. نقش و جایگاه احزاب سیاسی در مجلس

| امتیازات گروه‌های حزبی در مجلس | شناسایی رسمی گروه‌های حزبی در مجلس | |
|--|--|-------|
| - مشارکت تناسبی در کمیته مشترک بین بوندستاگ و بوندسرات - مشارکت تناسبی در شورای رؤسا و کمیسیون‌ها - امتیازات دیگر در فرایند قانونگذاری در مجلس | بله - در قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی بوندستاگ به رسمیت شناخته شده‌اند. | آلمان |
| ----- | خیر - به رسمیت شناخته نمی‌شوند. | ایران |

نتیجه‌گیری و ارائه راهکارهای سیاستی

سیاست‌های حزبی در دو کشور رویکردهای متفاوت و متناسب با هنجارهای سیاسی و تاریخی خود را نشان می‌دهد. آلمان یک سیاست بوروکراتیک و مداخله‌گر در امور داخلی احزاب اتخاذ کرده است. با این حال، رویکرد سیاست‌های حزبی در این کشور، تشویق و تقویت احزاب سیاسی است. اصولاً علت اتخاذ رویکردی حداکثری در آلمان تضمین آزادی و کارآمدی احزاب سیاسی بوده است. در مقایسه، رویکرد سیاست‌های حزبی ایران بیشتر در جهت امکان کنترل احزاب از سوی دولت بوده است.

در آلمان احزاب آزادانه و بدون هیچ نوع شرط قبلی تأسیس و فعالیت می‌کنند و جایگاه معین و مشخصی در سپهر سیاست کشور دارند. در این کشور وجود احزاب سیاسی برای تحقق اصول دموکراسی و پیشبرد اهداف نظام سیاسی ضروری شناخته شده است. در مقایسه، در ایران آزادی فعالیت احزاب صرفاً از جهت تحقق حقی است که تشکل‌های مدنی در یک جامعه باید داشته باشند، لذا جایگاهی از منظری کارکردگرایانه در عرصه سیاست برای آنها در نظر گرفته نشده است. به علاوه، علی‌رغم تصریح قانون اساسی بر آزادی فعالیت احزاب سیاسی، قوانین و مقررات حزبی عادی، این آزادی را منع و انکار کرده و آن را تنها به شرط اخذ مجوز پذیرفته‌اند.

در آلمان سیاستگذاری در امور داخلی احزاب سیاسی با هدف تضمین تحقق اصول دموکراسی و برابری افراد در داخل حزب انجام شده است. عضویت کاملاً آزاد است و

تشکیلات و سازمان حزبی باید شفاف و دارای بوروکراسی کارآمد باشد. داشتن تشکیلات و سازمان منسجم و کارآمد و در عین حال امکان برخورداری اعضای حزب از فرصت‌های برابر در آن، برای قانونگذار آلمانی مهم و اساسی است و به همین دلیل سیاست‌های حزبی این کشور قواعد اصولی را به صورت کاملاً تجویزی ترسیم کرده است. در ایران نیز مانند آلمان قواعدی با رویکرد تجویزی در جهت سازمان داخلی حزب وجود دارد. قسمتی از این تجویزها از جمله تجویزهای مربوط به تشکیلات حزب، به گونه‌ای در جهت نهادمندی و گسترش جغرافیایی احزاب و در نهایت تقویت آنها طراحی شده است، با این حال تجویزهای دیگری مانند شرایط اعضای عادی و رهبران حزب، شرایط محتوای مرامنامه‌ها و اساسنامه‌های حزب، نه در جهت تقویت حزب بلکه در راستای کنترل و سلطه دولت بر احزاب صورت گرفته است. به علاوه، فرایندهای داخلی حزب بویژه رعایت اصول دموکراسی در آن و انتخاب دموکراتیک رهبران و نامزدهای انتخاباتی، مورد علاقه سیاستگذار ایرانی نبوده است.

در آلمان، مالیه سیاسی اهمیت فراوانی دارد. رویکرد این کشور کمک به احزاب و تقویت آنها به منظور جذب هر چه بیشتر طرفداران حزبی و مشارکت توانمندتر آنان در انتخابات است. این سیاست‌ها البته توأم با قواعدی اعمال می‌شود که در جهت شفافیت مالی، پاسخگویی و نظم و انضباط درونی احزاب باشد. در ایران، تأمین مالی احزاب و تقویت و تشویق آنها مسأله اساسی سیاست‌های حزبی نیست و هدف و انگیزه اصلی این سیاست‌ها، چه از جهت تأمین مالی و چه از جنبه صرف هزینه‌ها، شفاف کردن عملکردهای مالی است.

در خصوص چارچوب فعالیت‌های احزاب، سیاستگذاری حزبی در ایران نسبت به آلمان پرننگ‌تر است. چارچوبی که ترسیم شده است رویکرد کنترلی نزدیک به منع را نشان می‌دهد که با رویکرد مربوط به شرایط تأسیس و عضویت مطابقت دارد. در آلمان عدم رعایت خطوط قرمز، مجازات انحلال احزاب را در پی دارد. سیاست‌های ایران در این زمینه نیز قدری متفاوت است. مرجع نظارت بر فعالیت‌ها و اعمال نظارت بر جرائم، بجز در مورد انحلال، کمیسیون احزاب است. کمیسیون می‌تواند بسته به شدت جرائم مجازات‌هایی از جمله توقیف پروانه فعالیت اعمال کند. مجازات انحلال تنها به حکم دادگاه صورت می‌گیرد.

نظام انتخاباتی آلمان ترکیبی از حزب‌محوری و نامزدمحوری است در حالی که در ایران فقط نامزدها هستند که در انتخابات شرکت می‌کنند و رأی‌دهندگان صرفاً می‌توانند به نامزدهای منفرد رأی بدهند. گروه‌های سیاسی حزبی در پارلمان آلمان به رسمیت شناخته شده‌اند و امتیازاتی برای آنها در تصمیم‌گیری‌ها، تعیین دستور جلسات، ترکیب هیأت رئیسه و کمیسیون‌ها و ... در نظر گرفته شده است. در مقایسه، گروه‌های سیاسی در مجلس ایران به رسمیت شناخته نمی‌شوند و آنها دارای امتیازی در مجلس نیستند.

لذا ضروری است که جمهوری اسلامی ایران در جهت تشویق و تقویت احزاب سیاسی، موارد ذیل را در سیاست‌های حزبی خود لحاظ نماید:

- نگاه سیاستگذاران نسبت به احزاب سیاسی باید تغییر کند. سیاستگذاران نباید احزاب سیاسی را صرفاً به عنوان تشکل‌هایی بدانند که به دنبال کسب قدرت هستند بلکه باید آنها را نهادهایی اجتناب‌ناپذیر برای دموکراسی، کارآمدی نظام سیاسی، تحقق خرد جمعی و گردش نخبگان بدانند.

- باید نقش و جایگاهی برای احزاب سیاسی در انتخابات مجلس تعریف شود. احزاب بدون ورود در انتخابات نه‌انگیزه‌ای برای فعالیت و نه ابزاری برای دستیابی به اهداف و کارکردهای ذاتی خود دارند.

- تأسیس احزاب سیاسی باید آزاد و ثبت آنها اختیاری با اسناد و مدارک عینی، در فرایندی کوتاه‌مدت و سهل‌انجام شود. بنابراین رویکرد «مجوزمحور» در تأسیس حزب باید از سیاست‌های دولتی حذف و رویکرد «ثبت‌محور» جایگزین آن شود. مرجع ثبت باید یک نهاد بی‌طرف باشد که صرفاً مدارک را تحویل گرفته و ثبت نماید. عبارت دیگر ضروری است که در تأسیس حزب، رویکرد نظارت‌پسینی جایگزین رویکرد نظارت‌پیشینی شود.

- شرایط عضویت - خواه برای اعضای عادی و خواه برای اعضای مؤسس و رهبران حزب - صرفاً باید شامل چند شرط حداقلی و عینی مانند حداقل سن و تابعیت ایران باشد. محرومان از عضویت در حزب نیز صرفاً باید شامل محکومان قضایی و مقامات بلندپایه کشوری و نیروهای مسلح و نظامی شود.

- هرچند که عدم دخالت دولت در امور داخلی احزاب، سیاستی مطلوب شمرده می‌شود اما سیاستگذاری دولتی باید در جهت الزام آنها به رعایت اصول دموکراسی باشد تا از

استبداد درون‌حزبی که انگیزه افراد برای عضویت و فعالیت جدی در احزاب را کاهش می‌دهد جلوگیری نماید. بنابراین احزاب باید ملزم به رعایت اصول دموکراسی در فرایندهای داخلی، تصمیم‌گیری‌ها، انتخاب رهبران و گزینش نامزدهای انتخاباتی شوند. - بالاخره سیاستگذاری در امور مالی احزاب سیاسی نباید صرفاً با هدف ایجاد شفافیت در منابع درآمدی و هزینه‌ها باشد بلکه باید در راستای ایجاد برابری نسبی در توانمندی احزاب در رقابت‌های انتخاباتی و تشویق و تقویت احزاب سیاسی صورت گیرد. بدین منظور لازم است محدودیت‌هایی برای مبالغ دریافتی احزاب و محدودیت‌هایی برای صرف هزینه‌های آنها اعمال شود. همچنین اختصاص کمک‌های مالی و غیر مالی مکفی مستقیم و غیرمستقیم دولتی، صرفاً بر اساس میزان آرای کسب‌شده احزاب در انتخابات مجلس شورای اسلامی ضروری است.



منابع

الف) فارسی

بورنهام، پیتر، گیلاند، کارین، گرانت، واین و لیتون هنری، زیگ، (۱۳۸۸)، *روش‌های پژوهش در سیاست*، ترجمه محمدکمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

ترنستروم، مایا و ادبرگ، لیندا، (۱۳۹۵)، *احزاب و نامزدها*، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

رفیعی قهساره، ابوذر، (۱۳۹۲)، «نظام انتخاباتی مجلس شورای اسلامی و پیامدهای آن»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل: ۱۳۰۸۸، برگرفته از: rc.majlis.ir/fa/mrc_report/show/851626

ریگین، چارلز، (۱۳۸۸)، *روش تطبیقی: فراسوی راهبردهای کمی و کیفی*، ترجمه محمد فاضلی، تهران: آگه.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی.

گاوجا، آنیکا، (۱۳۹۵)، *احزاب سیاسی و انتخابات: قانونگذاری برای دموکراسی نمایندگی*، ترجمه ابوذر گوهری مقدم و داود کریمی پور، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

مارش، دیوید و استوکر، جری، (۱۳۷۸)، *روش و نظریه در علوم سیاسی*، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مولر، ولفگانگ و زیبرر، اولریش، (۱۳۹۵)، «قانون احزاب»، در: ریچارد اس. کاتز و ویلیام کروتی (۱۳۹۵) *دانشنامه سیاست حزبی*، ترجمه محسن میردامادی و علیرضا بهشتی شیرازی، تهران: روزنه.

ناسماخر، کارل-هینز، (۱۳۹۵)، «قانونمند کردن تأمین مالی حزبی»، در: ریچارد اس. کاتز و ویلیام کروتی (۱۳۹۵) *دانشنامه سیاست حزبی*، ترجمه محسن میردامادی و علیرضا بهشتی شیرازی، تهران: روزنه.

وارد، جنی، دوشینسکی، مایکل پیتو و الکساندر، هربرت، (۱۳۹۵)، *پول در سیاست*، ترجمه محمدتقی دلفروز، مشهد: انتشارات مرنديز.

ب) انگلیسی

- Avnon, D, (1995), "Parties Laws in Democratic Systems of Government", *The Journal of Legislative Studies*, 1(2).
- Basic Law (Constitution) of Germany, To link to this Paper: <http://www.partylaw.leidenuniv.nl/party-law>.
- Federal Election Act of Germany, To link to this Paper: https://www.bundeswahlleiter.de/en/dam/jcr/4ff317c1-041f-4ba7-bbbf-1e5dc45097b3/bundeswahlgesetz_engl.pdf.
- Janda, K, (2005), "Political Parties and Democracy in Theoretical and Practical Perspectives: Adopting Party Law", National Democratic Institute for International Affairs (NDI).
- Karvonen, Laury, (2007), "Legislation on Political Parties; A Global Comparison", *PARTY POLITICS*, Vol. 13, No.4.
- Loomes, G, (2011), "The Impact of Cartel Strategies in France, Greece, Denmark and Ireland", Working Paper Series on the Legal Regulation of Political Parties, No. 13.
- Party Law of Germany, To link to this paper: <http://www.partylaw.leidenuniv.nl/party-law>.
- Piccio, D. R, (2012), "Party regulation in Europe: Country Reports", *The Legal Regulation of Political Parties, Working Paper*, 18.
- Rules of Procedure of the German Bundestag and Rules of Procedure of the Mediation Committee, To link to this paper: <https://www.btg-bestellservice.de/pdf/80060000.pdf>
- Van Biezen, I., & Rashkova, E, (2011), "Breaking the Cartel: The Effect of State Regulation on New Party Entry", *Party Law in Modern Europe Working Paper*, (12).
- Vernardakis, C, (2014), "The Financing of Parties and Its Impact on their Transformation from Institutions of Social Representation to Institutions of State Legitimization, The Case of Greece".
- Aderberg, L., & Turnstrom, M. (2016). *Parties and candidates*. (M. Delforouz, Trans.) Tehran: Islamic Parliament Research Center of The Islamic Republic of Iran.
- Burnham, P., Layton-Henry, Z., & Grant, W. (2009). *Research methods in politics*. (M. Sorourian, Trans.) Tehran: Research Institute of Social and Cultural Studies. (Original work published 2004)
- Constitution of the Islamic Republic of Iran 1989.
- Gauja, A. (2016). *Political parties and elections: Legislating for representative democracy*. (A. Gohari Moghaddam, & D. Karimipour, Trans.) Tehran: Islamic Parliament Research Center of the Islamic Republic of Iran. (Original work published 2010)
- Marsh, D., & Stoker, G. (1999). *Theory and methods in political science*. (A. Hajiyousefi, Trans.) Tehran: Research Institute of Strategic Studies. (Original work published 1995)
- Muller, W., & Olerich, Z. (2016). Regulation of parties. In R. S. Katz, & W. J. Crotty, *Handbook of party politics* (M. Mirdamadi, & A. Beheshti Shirazi, Trans.). Tehran: Rowzaneh. (Original work published 2005)
- Nasmacher, K.-H. (2016). Regulation of party finance. In R. S. Katz, & W. J. Crotty, *Handbook of party politics* (M. Mirdamadi, & A. Beheshti Shirazi, Trans., pp. 446-455). Tehran: Rowzaneh. (Original work published 2005)

- Rafiee Ghahsareh, A. (2013). *Nezam-e entekhabati-ye majles-e shora-ye Eslami va payamdhā-ye an* [The electoral system of the Islamic Consultative Assembly and its consequences]. Retrieved from <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/851626>
- Ragin, C. C. (2009). *The comparative method: Moving beyond qualitative and quantitative strategies*. (M. Fazeli, Trans.) Tehran: Agah. (Original work published 1987)
- The Law regarding the Activities of Political Groups and Parties 2016.
- Ward, J., Pinto-Duschinsky, M., & Herbert, A. (2016). *Money in politics*. (M. Delforouz, Trans.) Mashhad: Marandiz. (Original work published 2003)

